

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، پیاپی ۱۰
صفحات ۱۶۴-۱۴۵

اثرات ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی بر اقتصاد روستایی مورد: بخش مرکزی شهرستان رشت

عیسی پوررمضان*، استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، ایران.
زهرا اکبری، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۶/۲۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۲۰

چکیده

کشاورزی محور استقلال و توسعه هر کشوری محسوب می‌شود. وجود صنایع تبدیلی و تکمیلی از راهکارهای توسعه این بخش اقتصادی است. پژوهش حاضر با هدف شناخت و تبیین ضرورت‌های پیوند بخش‌های کشاورزی و صنعت در حوزه روستاهای بخش مرکزی شهرستان رشت به انجام رسیده است. مطالعه از نظر هدف کاربردی و مبنای روش آن توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز از طریق منابع اسنادی و همچنین مطالعات پیمایشی براساس پرسش‌های محوری بین دو گروه روستاییان، کارشناسان و مدیران حاصل شده است. تعداد پرسش‌نامه گروه اول ۲۴۳ و تعداد پرسش‌نامه گروه دوم در سازمان‌های محیط زیست، جهاد کشاورزی و صنایع و معادن استان گیلان ۴۸ مورد بوده است. مطابق یافته‌های تحقیق، استقرار صنایع روستایی و پیوند آن با بخش کشاورزی در حمایت از مراحل مختلف تولید، تقویت اقتصاد روستاها، افزایش سطح و تنوع تولیدات و همچنین حفظ اراضی کشاورزی و منظر روستایی دارای اثرات مثبت و معنی‌داری می‌باشد. با توجه به خصوصیات و استعدادهای طبیعی و اجتماعی منطقه و اثرات مثبت صنایع وابسته به کشاورزی، پیوند دو بخش کشاورزی و صنعت برای رسیدن به توسعه پایدار روستایی امری الزام‌آور به‌شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: اقتصاد روستایی، کشاورزی، صنایع تبدیلی و تکمیلی، توسعه پایدار، شهرستان رشت.

* Email: pourramzan@iaurasht.ac.ir

(۱) مقدمه

برقراری عدالت اجتماعی در بین جوامع و بالا بردن سطح مطلوبیت زندگی در روستاها، جهت برخورداری از جوامعی با سرشت پاک انسانی از اهمیت بالایی برخوردار است. در چاقوب توسعه روستایی، هدف بهبود و ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان تا مرحله خودکفایی و ایجاد حس اعتماد به نفس در آنان می باشد؛ به گونه ای که مباحث اساسی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها به خصوص کشورهای جهان سوم به شمار می رود. در این راستا، اتخاذ سیاست ها و راهکارهایی که زمینه ایجاد علاقه و اشتیاق در قشر روستایی برای اشتغال به فعالیت های کشاورزی را فراهم سازد، ضروری است. بدین منظور، بیش از هر چیز جهان نیاز به افزایش سرمایه گذاری در کشاورزی را دارد (Pinzon, 2012: 1-2). همان طور که در سیاست های توسعه روستایی اتحادیه اروپا نیز بر سیاست توسعه کشاورزی تأکید شده است (European, 2006: 1-15).

رسیدن به توسعه کشاورزی نیازمند ایجاد خوداتکایی صنعتی است که منجر به پویایی اقتصاد مناطق روستایی و سپس متوازن و هماهنگ کردن آن با جامعه شهری به عنوان بخشی از اجزاء اصلی ساختار اقتصادی کشور می شود. در اصل، صنعت و کشاورزی جزء جدایی ناپذیر اقتصاد نواحی به شمار می رود و پیوند آن دارای فواید اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است. از این رو، کشورهای صنعتی، صنایع روستایی خود را با نیازهای بازار تطبیق داده اند. در استرالیا، مدرن، روستاهای صنعتی ایجاد شده و بخش تجارت و بازرگانی آن پیشرفت کرده است (www.nria.org.au). غالباً در مراکزی در کشورهای آسیای شرقی از جمله ژاپن، کره و به ویژه تایوان، محققان بر سر مواردی چون توسعه کشاورزی و متنوع کردن آن در روستاها و ترکیب شدن آن با صنعت تا رسیدن به موفقیت بحث و مذاکره دارند (Francks, 2002: 33-55). ژاپن بخشی از صنایع مدرن خود را به صورت صنایع خانگی به نقاط روستایی انتقال داده است و کشورهای چین، تایوان و اندونزی نیز به همین منوال صنایع خود را با توجه به نیازهای اساسی همه مردم جهان، در همه ی سنین منطبق کرده اند که به تبع، یکی از دلایل توسعه جوامع و پایداری نسبی جمعیت روستایی آنان همین شیوه توجه به صنایع روستایی بوده است (حسینی ابری، ۱۳۸۰: ۲۴۳-۲۴۲).

کشاورزی به عنوان فعالیت غالب در نواحی روستایی، به تنهایی از توان تأمین اشتغال و درآمد کافی برای جمعیت روستایی برخوردار نمی باشد؛ بنابراین توجه به دیگر فعالیت های اقتصادی درآمدزا در محیط روستا، از مهم ترین ضروریات برنامه ریزی منطقه ای است (مطیعی لنگرودی و نجفی کانی، ۱۳۹۰: ۱). صنایع روستایی به دلیل اشتغال، افزایش درآمد و کاهش فقر در جوامع روستایی به ویژه در جوامعی که اقتصاد کشاورزی حکم فرماست از اهمیت بسزایی برخوردار است. مسائل و مشکلات زیستی، اختلاف درآمد و سطح زندگی بین

جوامع شهری و روستایی که از عوامل مهم مهاجرت‌های روستایی - شهری است، بسیاری از برنامه‌ریزان را به اتخاذ استراتژی‌های جدید توسعه روستایی به‌ویژه صنعتی کردن روستاها ترغیب نمود (نصیری، ۱۳۸۶: ۱۳۹). صنعتی‌سازی روستاها منجر به تحول در اقتصاد روستایی می‌شود و با جذب قسمتی از جمعیت روستا، تا حدی مشکل بیکاری را مرتفع می‌سازد و همچنین با برقراری پیوند با کشاورزی موجب رشد آن را فراهم می‌آورد (قدیری‌معصوم و قراگوزلو، ۱۳۹۱: ۲). این راهبرد، به‌عنوان فرآیندی که ابزارهای مناسب برای متنوع‌سازی اقتصاد روستایی فراهم می‌آورد، رویکردی اقتصادی است که با ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و توزیع متعادل‌تر درآمد، منجر به بهبود سطح زندگی روستاییان و به تبع زمینه نیل به توسعه پایدار روستایی را فراهم می‌آورد (سجاسی‌قیداری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۹)؛ به طور که، به‌عنوان آخرین راه حل مشکل فقر مناطق روستایی و بیکاری و عامل تسکین دهنده برای مناطق محروم روستایی محسوب می‌شود (طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۲۲).

صنایع روستایی از یکسو به واسطه‌ی نقش و جایگاه انکارناپذیر در ایجاد اشتغال مفید و مؤثر در نواحی روستایی و از سوی دیگر، به دلیل پیوند تنگاتنگ با بخش کشاورزی و خدمات، نه تنها نقش بسزایی در توسعه‌ی روستایی در مقیاس محلی دارد، بلکه در مقیاس‌های کلان و ملی نیز می‌تواند سهم قابل توجهی را نصیب نواحی روستایی سازد. اصولاً در روستاها صنایع باید در خدمت بخش کشاورزی بوده تا به افزایش سطح تولیدات کشاورزی کمک کند (اکبری، ۱۳۹۰: ۱۴۹). مطالعات صورت گرفته در کشور ما نیز مؤید این مطلب است که فعالیت کشاورزی خودمصرفی دیگر نمی‌تواند جواب‌گوی نیاز روستاییان باشد؛ بنابراین می‌بایست جهت تقویت و ثبات بخش کشاورزی برنامه‌ریزی دقیق صورت گیرد و در این راستا ایجاد صنایع وابسته به کشاورزی در روستاهای برتر باید صورت بگیرد (پوررمضان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۰۵). این مقاله درصدد است که ابعاد، جنبه‌ها و فواید گوناگون پیوند بخش کشاورزی و صنایع روستایی را به طور کلی و در روستاهای بخش مرکزی شهرستان رشت به طور جزئی مورد بررسی قرار دهد. همچنین به این پرسش اصلی پاسخ دهد که الزامات پیوند بخش کشاورزی و صنایع تکمیلی و تبدیلی روستایی چیست و ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی بر اقتصاد روستاهای بخش مرکزی شهرستان رشت دارای چه اثراتی بوده است؟

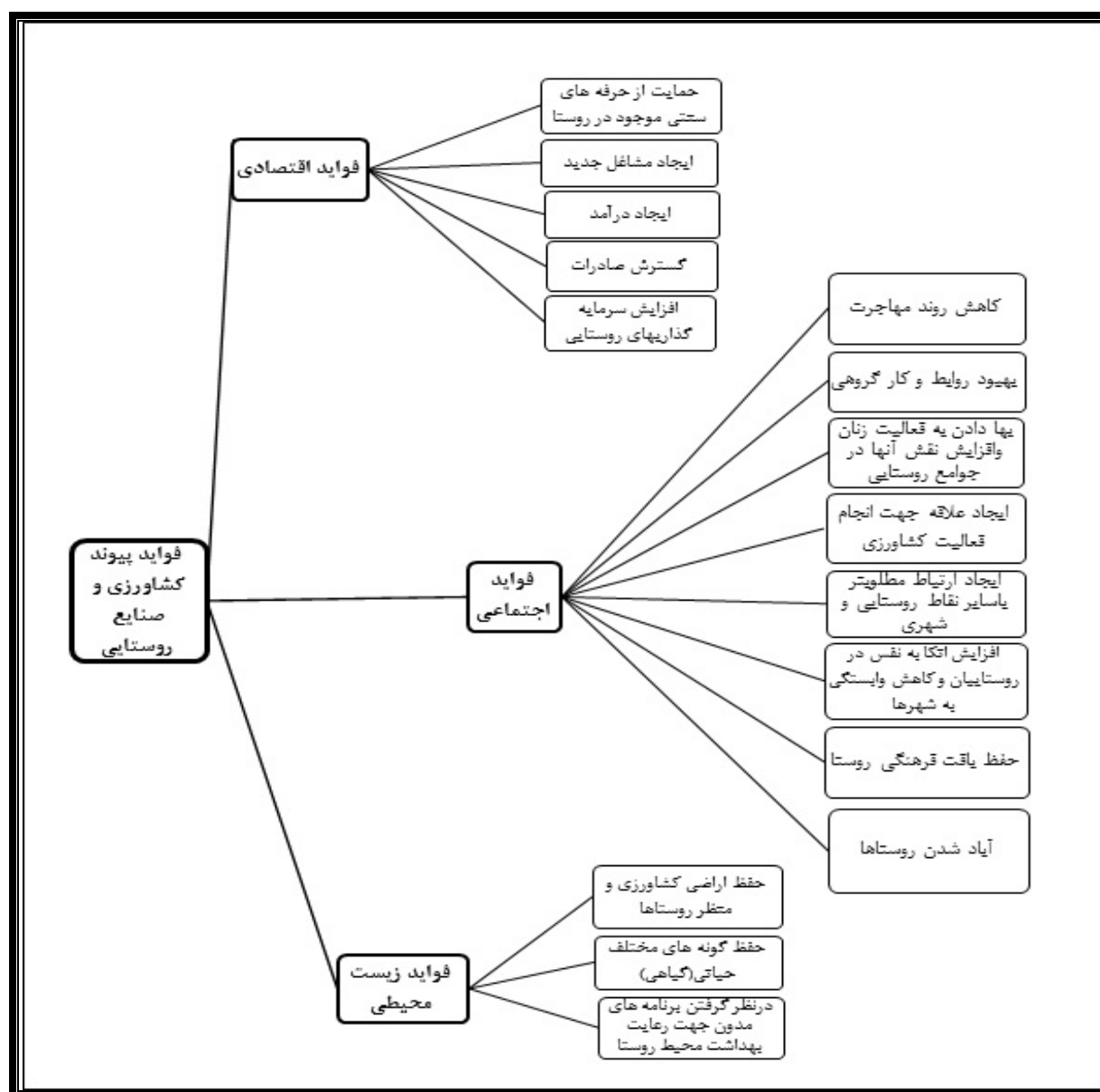
۲) مبانی نظری

هدف اصلی توسعه روستایی توانا ساختن توده‌های جمعیت روستایی است، بنابراین باید با متنوع‌سازی اقتصاد روستایی و کارا نمودن آن از طریق ایجاد انواع فعالیت‌های اقتصادی، به‌ویژه صنعتی کردن روستاها به

آن توجه کرد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۱۵۲). افزایش سریع جمعیت، گسترش شهرنشینی، کمبود فرصت‌های شغلی به‌ویژه در بخش کشاورزی، فشار جمعیت بر منابع طبیعی، ناکامی در ایجاد و گسترش صنایع متوسط و بزرگ، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه باعث شد که این کشورها راهبرد صنعتی سازی روستاها را از اواسط دهه ۱۹۷۰ در برنامه‌های توسعه خود مد نظر قرار دهند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۴۳). صنایع روستایی مجموعه فعالیت‌هایی است که تولیدات کشاورزی و دامی را تبدیل و عرضه می‌کند (آسایش و قنبری، ۱۳۸۵: ۳۷۸-۳۷۵). به عبارت دیگر، صنایع روستایی در مناطق و یا مراکز روستایی مستقر می‌شود و در آن عمدتاً از نیروی کار روستایی استفاده می‌شود. این نوع از صنایع در خدمت کشاورزی و عمدتاً تابع محصولات کشاورزی است، نیازهای روستاییان را برطرف می‌کند و اشتغال و درآمد آنان را افزایش می‌دهد. صنایع روستایی شامل صنایع تبدیلی و تکمیلی (صنایع با تعداد اشتغال کمتر از ۵۰ نفر که به فرآوری و عمل آوردن مواد نباتی و حیوانی اقدام می‌کند. فرآوری در برگیرنده‌ی تغییرات فیزیکی، شیمیایی، نگهداری، بسته‌بندی و توزیع است)، صنایع دستی و صنایع کوچک است (ازکیا، ۱۳۸۷: ۲۵۳).

هر گونه فعالیتی که منجر به تقویت و استحکام بهینه کشاورزی گردد و در جهت نیل به خودکفایی اقتصادی باشد، موجب افزایش حجم محصولات و ارتقای کیفیت محصولات کشاورزی می‌شود و از نظر رشد اقتصادی و توسعه روستایی بسیار حایز اهمیت است. صنایع روستایی نیز در ارتباط و پیوند با بخش کشاورزی از این قاعده مستثنی نیست. صنایع از یک سو موجب ارتقای کمی و کیفی محصولات کشاورزی می‌شود و از سوی دیگر، منافع حاصل از محصولات صنعتی در درون مناطق روستایی متمرکز می‌گردد. موارد مذکور دارای ارتباط تنگاتنگی بوده و از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر است. استقرار صنایع روستایی در پیوند با بخش کشاورزی به‌عنوان مکمل آن، منشأ تحولات و آثار مثبت در مناطق روستایی می‌شود که برخی از مهم‌ترین این اثرات عبارتند از افزایش بهره‌وری و نیز محصولات در بخش کشاورزی و کاهش ضایعات؛ حفظ، ارتقاء و متنوع ساختن کیفیت فرآورده‌ها در مناطق روستایی؛ انتقال ارزش افزوده بیشتر به مناطق روستایی و افزایش درآمد روستاییان؛ کاهش شکاف بین شهر و روستا از راه افزایش درآمد و تأمین خدمات لازم برای زندگی روستاییان؛ تأمین بخشی از نیاز روستاییان و کشور از راه تولید برخی از کالاها؛ احداث و بکارگیری پاره‌ای از امکانات زیربنایی و شرایط لازم برای فعالیت صنایع روستایی؛ ارتباط منطقی و سازنده میان کشاورزی و صنعت از کانال صنایع روستایی؛ اشتغال بخش عمده‌ای از نیروهای فعال و مازاد در بخش کشاورزی؛ کاهش مهاجرت و افزایش انگیزه ماندگاری روستاییان و ایجاد زمینه لازم برای تشکیل و بکارگیری سرمایه‌های کوچک به منظور استقرار صنایع در روستاها (مطیعی لنگرودی و نجفی‌کانی، ۱۳۹۰: ۲۵-۲۴).

میسرا معتقد است که دو نوع فعالیت صنعتی در مراکز روستایی مناسب هستند: (۱) صنایعی که با فرآیند محصولات کشاورزی همگام می‌شود (تولیدکنسرو، میوه، سبزیجات و لبنیات)؛ (۲) صنایعی که در پیوند با فعالیت‌های کشاورزی، نیازمندی‌های بخش کشاورزی را تأمین می‌نمایند (کارخانجات تولید کننده کود شیمیایی و ساخت ابزارآلات زراعی) (میسرا، ۱۹۹۱: ۲۵). شکل ۱ برخی از فواید اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی ناشی از پیوند کشاورزی و صنایع روستایی (تبدیلی و تکمیلی) را نشان می‌دهد.



شکل شماره (۱): فواید پیوند کشاورزی و صنایع روستایی

منبع: اکبری، ۱۳۹۰: ۲۶.

با توجه به جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد، به‌ویژه اهمیت این بخش در امر امنیت غذایی، یکی از عناصری که می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از ضایعات، ایجاد تقاضا، افزایش ارزش افزوده و ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی ایفا کند، صنایع تبدیلی و تکمیلی است. همچنین صنایع کوچک و متوسط، نقش بسیار مهمی در اشتغال‌زایی به‌ویژه برای کارگران با مهارت محدود و زنان کم درآمد دارد (صحرائیان، ۱۳۸۰: ۱۱۲). تجربه پاره‌ای از کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که توسعه کشاورزی می‌تواند نقش حیاتی در جریان صنعتی شدن روستایی داشته باشد. تحقیقاتی که فعالیت‌های صنعتی را مطابق با اصول جغرافیایی مدرن مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند، عمدتاً بعد از سال ۱۹۶۲ منتشر شده است. در این زمینه اکثر صاحب‌نظران به اهمیت، پیامدها و عوامل مؤثر در موفقیت صنایع روستایی پرداخته‌اند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۱: ۴۴). به طوری که اچ. آنتولف و همکاران (۱۹۷۹) در پژوهشی جامع و در راستای ارزیابی پیامدهای صنعتی شدن روستا در کشور اندونزی معتقدند که با استقرار واحدهای نساجی در طول ۶۰ سال، تغییرات وسیعی در این کشور به وجود آمده، به طوری که در طی این مدت ناحیه مورد مطالعه به عنوان قطب نساجی کشور معرفی شده است. جذب نیروی مازاد در بخش کشاورزی به سوی فعالیت‌های صنعتی، منجر به کاهش نیروی کار در بخش کشاورزی و افزایش تولید صنایع نساجی گردیده است. اس.ک. راثو (۱۹۸۵) با تحلیل روند صنعتی شدن روستاها در چهار کشور هند، فیلیپین، کره جنوبی و ژاپن، بر نقش استقرار صنعت در روند گسترش صادرات اشاره داشته و معتقد است هر یک از این کشورها با انتخاب الگوی مناسب صنعتی، گامی در جهت ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و گسترش صادرات داشته‌اند. ریزانول (۱۹۹۴) در تحقیقی جامع اثرات صنعتی شدن مناطق روستایی چین در دوره بعد از اصلاحات را مورد بررسی قرار داده و صنعتی شدن را به عنوان موتور محرک توسعه روستایی در چین معرفی کرده است. حسین‌پور (۱۳۸۱) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیده که مشکلات صنایع روستایی استان سمنان به ترتیب شامل عدم ارائه تسهیلات مالی و اعتباری مناسب، موانع و محدودیت‌های اداری، عدم استفاده از تکنولوژی مناسب، پایین بودن دانش فنی متقاضیان، ناهمگون بودن صنعت و منابع موجود و همچنین کمبود امکانات زیربنایی بوده است. رضایی (۱۳۸۱) در پژوهشی امکان ایجاد صنایع روستایی را در شهرستان‌های مهران، دهلران، ایلام، آبدانان، شیروان و دره‌شهر را بررسی و به این نتیجه رسیده که در این شهرستان‌ها امکان ایجاد صنایع تبدیلی وابسته به فرآورده‌های جنگلی و مرتعی وجود دارد. نوری و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی بیان کرده که صنایع روستایی بایستی متناسب با توانمندی‌های محیطی و انسانی مناطق روستایی بر پایه دیدگاه کارشناسان علمی، سازمانی و محلی تعیین گردد. امین‌آقایی (۱۳۸۸) در مطالعه خود، عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک روستایی ایران را به سه دسته عوامل ساختاری، زمینه‌ای و محتوایی تقسیم و به بررسی نظر کارشناسان توسعه روستایی در

زمینه میزان تأثیر هر یک از این شاخص‌ها بر عملکرد صنایع کوچک روستایی و اولویت‌بندی آن پرداخته است. آمار (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان کارکرد صنعتی نواحی روستایی و ضرورت توسعه آن، که به صورت موردی در بخش خورگام شهرستان رودبار انجام داده است به این نتیجه رسیده، برای ارتقاء درآمد فعلی روستاییان ناحیه مورد مطالعه، تقویت بخش‌های دوم و سوم اقتصاد را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دانسته است.

مطیعی‌لنگرودی و نجفی‌کانی (۱۳۹۰) در کتاب توسعه و صنعتی‌سازی روستا، پیوند کشاورزی با صنایع روستایی را گامی برای توسعه روستاها دانسته و اظهار داشته‌اند که صنایع از یک سو موجب ارتقای کمی و کیفی محصولات کشاورزی می‌شود و از سوی دیگر، منافع حاصل از محصولات صنعتی در درون مناطق روستایی متمرکز می‌گردد. موارد مذکور دارای ارتباط تنگاتنگ بوده و از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر است. پوررمضان و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی امکان‌سنجی استقرار صنایع کوچک در روستاهای بخش مرکزی شهرستان رشت با استفاده از مدل تحلیلی SWOT، به این نتیجه رسیده‌اند که محدوده‌ی مورد مطالعه جهت استقرار صنایع کوچک تبدیلی کشاورزی با نقاط فرصت بیشتری چون ویژگی‌های زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی نسبت به نقاط ضعف و تهدیدهای پیش رو مواجه می‌باشد. بنابراین علاوه بر کارکردهای فعلی می‌توان کارکرد صنعتی را جهت رسیدن به توسعه پایدار در این محدوده روستایی پیشنهاد نمود.

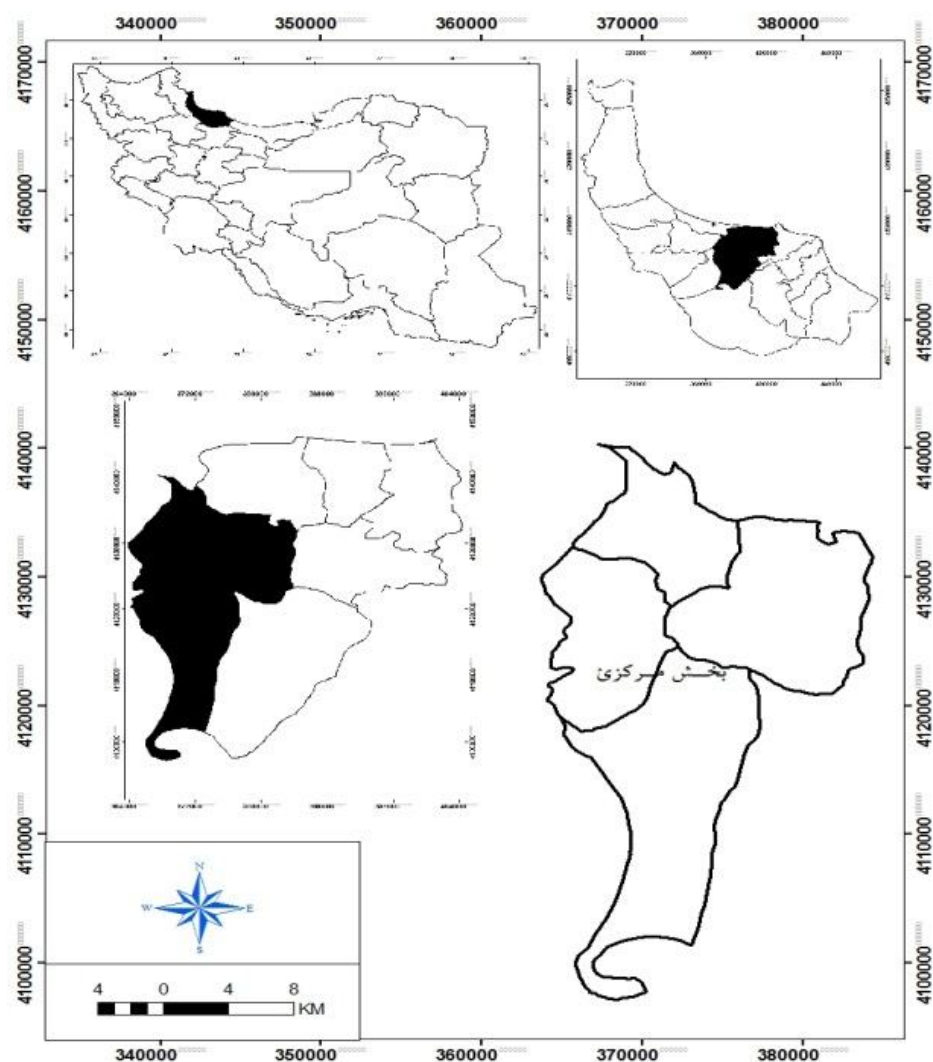
سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۳) کارکرد صنایع روستایی در توسعه روستاهای دهستان صائین قلعه شهرستان ابهر را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که صنایع روستایی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، زیست محیطی و کالبدی توسعه‌ی روستاهای منطقه مورد مطالعه اثر معناداری داشته است. همچنین مقایسه میانگین‌ها در سطح شاخص‌ها، حاکی از اثرات نسبی تأثیرگذاری صنعت در توسعه روستایی منطقه است؛ به طوری که ابعاد اقتصادی و ابعاد محیطی بیشترین اثرپذیری را به همراه داشته و کمترین آن نیز مربوط به بعد کالبدی بوده است.

۳) روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و مبنای روش آن توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز از طریق منابع اسنادی - کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی و پیمایشی به دست آمده است. به منظور تبیین چارچوب نظری و مفهومی، پیشینه و معرفی محدوده مورد مطالعه، از روش اسنادی و سپس برای تکمیل مطالعات اسنادی از روش میدانی بهره‌برداری شده است. در روش میدانی، به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز جهت تعیین الزامات پیوند و اثرات ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی بر اقتصاد روستایی، از فن مشاهده و توزیع پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل دو گروه روستاییان به

همراه کارشناسان توسعه، مدیران محلی و دولتی بوده که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۲۴۳ پرسشنامه برای گروه اول یعنی روستاییان و ۴۸ پرسشنامه برای گروه دوم در سازمان‌های محیط زیست، جهاد کشاورزی و صنایع و معادن استان گیلان انتخاب شده است. روایی پرسشنامه با استفاده از نظر کارشناسان متخصص و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ (۰/۸۷۶) تأیید شده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات حاصل از منابع مختلف، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از برنامه SPSS، در ترسیم نمودارها از نرم افزار Excel و از نرم‌افزار Arc GIS جهت ترسیم نقشه استفاده شده است.

محدوده مورد مطالعه در پژوهش حاضر روستاهای بخش مرکزی شهرستان رشت بوده است که این محدوده شامل چهار دهستان (پیربازار، پسیخان، حومه و لاکان) می‌باشد. مختصات جغرافیایی این محدوده از ۴۹ درجه و ۲۷ دقیقه و ۴۲ ثانیه تا ۴۹ درجه و ۴۱ دقیقه و ۳۹ ثانیه طول شرقی و از ۳۷ درجه و ۰۰ دقیقه و ۴۰ ثانیه تا ۳۷ درجه و ۲۳ دقیقه و ۵۵ ثانیه عرض شمالی می‌باشد. به لحاظ موقعیت جغرافیایی از طرف شمال به بخش خمام شهرستان رشت، از جنوب به شهرستان رودبار، از شرق به بخش سنگر و از غرب هم با شهرستان شفت مرتبط است (معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان، ۱۳۸۷). این بخش دارای ۸۴ روستا و جمعیتی بالغ بر ۷۶۵۷۴ نفر و ۲۰۲۲۰ خانوار با بعد خانوار ۳/۸ می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵: ۲۵). از دلایل انتخاب محدوده جهت امکان‌سنجی استقرار صنایع، دارا بودن جمعیت بیشتر نسبت به سایر دهستان‌های بخش مرکزی و داشتن پتانسیل‌ها بالقوه و دسترسی به مراکز شهری و روستایی اطراف بوده است.



شکل شماره (۲): جایگاه محدوده مورد مطالعه در تقسیمات کشوری

(۴) یافته‌های تحقیق

وضع موجود استقرار صنایع در روستاهای مورد بررسی و مشخصات روستاهای دارای مجوز جهت استقرار صنایع روستایی در بخش مرکزی شهرستان رشت در جدول شماره ۱ نشان داده شده است. بر این اساس روستای کژده در دهستان حومه درگروه دام و طیور درخواست مجوز کارگاه انجماد و بسته‌بندی گوشت قرمز را داشته است و تولید عملی آن ۶۰۰۰ تن می‌باشد که موجب اشتغال‌زایی ۱۴ نفر شده است. در روستای پسیخان در دهستان پسیخان درگروه دام و طیور، محصول دان‌مرغی با تولید عملی ۶۰۰۰ تن موجب اشتغال‌زایی ۱۰ نفر شده است و روستای تخسم در دهستان لاکان درگروه باغی، با اخذ مجوز بسته‌بندی محصولات خشکباری به تولید ۶۰۰ تن اقدام نموده و موجب اشتغال ۱۲ نفر شده است. در روستای پیربازار

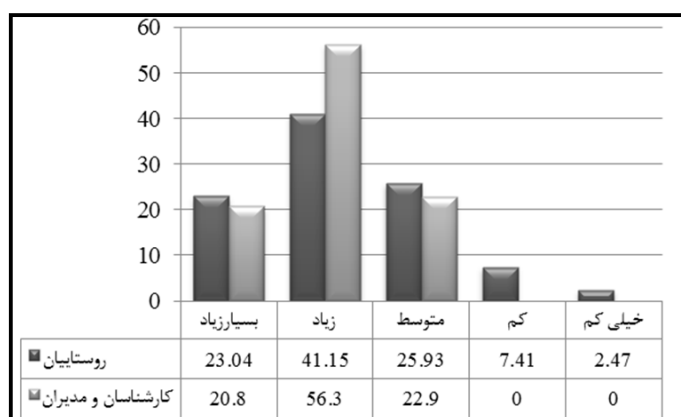
واقع در دهستان لاکان در گروه محصولات باغی تولید کنسرو زیتون با تولید عملی ۷۰ تن، موجب اشتغال ۱۰ نفر شده است. در این بین روستاهایی که از نظر موقعیت مکانی در نزدیکی مراکز شهری (شهر رشت) قرار دارد، از محیط آن جهت استقرار صنایع مربوط به شهرها که صناعی غیربومی بوده و مربوط به فعالیت‌های داخل روستا نیستند و در آن از نیروهای غیربومی استفاده شده است؛ به گونه‌ای که فواید حاصل از آن به روستاها نمی‌رسد و این از آسیب‌های صنعتی کردن روستاهای محدوده مورد مطالعه است که می‌بایست نسبت به قوانین مجوزهای صادره آن بازنگری شود.

جدول شماره (۱): مجوزهای صادر شده جهت احداث صنایع روستایی در بخش مرکزی شهرستان رشت (۱۳۹۰)

ردیف	نام دهستان	نام روستا	نام گروه	نام محصول	تولید اسمی (تن)	تولید عملی (تن)	اشتغال اسمی	اشتغال عملی
۱	حومه	شالکوه	باغی	بسته بندی محصولات خشکباری	۷۵۰	۰	۳۰	۰
۲	پسیخان	خشت مسجد	باغی	کنسرو زیتون	۴۵۰	۰	۱۴	۰
۳	حومه	بالا کویخ	باغی	اسانس گیاهی	۱۰۰	۰	۲۱	۰
۴	پیربازار	مبارک آباد	باغی	کنجاله زیتون	۳۰۰۰	۰	۸	۰
۵	حومه	پلکو	باغی	فرآوری و بسته بندی فندق	۳۰۰	۰	۷	۰
۶	حومه	بیجارینه	باغی	درجه بندی و بسته بندی میوجات	۷۰۰	۰	۱۲	۰
۷	حومه	لچه گوراب	باغی	پاک کردن و بسته بندی حبوبات	۱۰۰۰	۰	۱۲	۰
۸	لاکان	فلکده	باغی	سردخانه دومداره	۵۰۰۰	۰	۲۰	۰
۹	پیربازار	فیض آباد	باغی	کودهای آلی از گیاه و فضولات دام و طیور	۱۰۰۰۰۰	۰	۴۴	۰
۱۰	پیربازار	پيله داربن	دام و طیور	موم کندوی زنبور عسل	۱۰۰	۰	۷	۰
۱۱	پیربازار	گراکه	دام و طیور	خوراک آماده دام	۳۰۰۰	۰	۶	۰
۱۲	حومه	پلکو	دام و طیور	بسته بندی عسل طبیعی	۵۰۰	۰	۱۵	۰
۱۳	لاکان	فلکده، شهرک صنعتی سپیدرود	دان مرغ	دان مرغی	۶۰۰۰۰	۰	۵۰	۰
۱۴	پسیخان	گالش محله	برنجکوبی	برنجکوبی	۱۵۰۰	۰	۶	۰
۱۵	حومه	کژده	دام و طیور	انجماد و بسته بندی گوشت قرمز و طیور	۶۰۰۰	۶۰۰۰	۱۴	۱۴
۱۶	لاکان	کتیگر	زراعی	برنجکوبی	۷۲۰	۷۲۰	۴	۴
۱۷	پیربازار	طش	زراعی	برنجکوبی	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۶	۶
۱۸	پیربازار	پیربازار	زراعی	بسته بندی بذر	۱۰۰۰	۰	۴۰	۰
۱۹	لاکان	تخسم	باغی	بسته بندی محصولات خشکباری	۶۰۰	۶۰۰	۱۲	۱۲
۲۰	پسیخان	پسیخان	دام و طیور	دان مرغ	۶۰۰۰	۶۰۰۰	۱۰	۱۰
۲۱	پیربازار	پیربازار	باغی	کنسرو زیتون	۱۱۵	۷۰	۱۵	۱۰
۲۲	حومه	پاچه کنار	زراعی	برنجکوبی	۹۰۰	۵۴۰	۶	۴

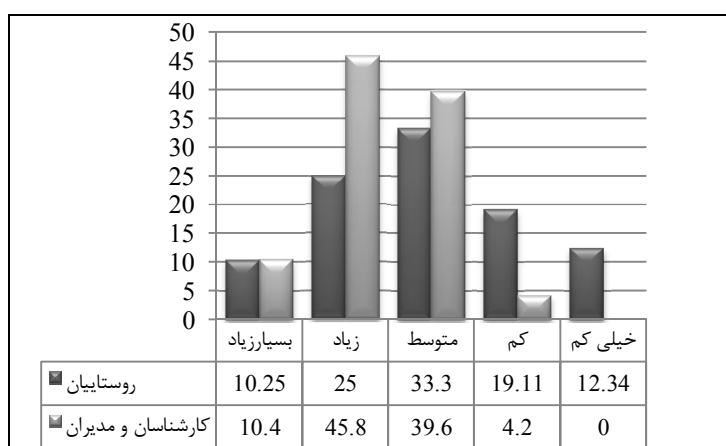
منبع: سازمان جهاد کشاورزی استان گیلان، ۱۳۹۰

تعامل و پیوند کشاورزی و صنایع روستایی از دو جنبه تولیدی و خدماتی مورد توجه قرار می‌گیرد. به منظور خدمات‌رسانی و پشتیبانی از بخش کشاورزی، استقرار و توسعه صنایع در مناطق روستایی امری الزامی و اجتناب‌ناپذیر است. در هر یک از فعالیت‌های زراعی کاشت، داشت و برداشت، از ابزارها و تجهیزات متعددی استفاده می‌شود که لزوم استقرار صنایع در مناطق روستایی را تبیین می‌کند؛ به طور مثال در مرحله کاشت از وسایل و ابزاری مانند گاو آهن، دیسک، بذرکار و نشاکار استفاده می‌شود. در مرحله داشت از ابزارهایی همچون سم‌پاش، کودپاش و علف‌کش استفاده می‌شود. در مرحله برداشت نیز که آخرین بخش از فعالیت‌های زراعی است، می‌توان به کمباین‌های متنوع اشاره کرد. همچنین در بسیاری از عملیات‌های جنبی دیگر، می‌توان از ماشین‌آلاتی نظیر دستگاه‌های بوجاری، ضد عفونی بذر، انواع خرم‌نکوب‌ها و تیلر نام برد. بنابراین علاوه بر عملیات‌های زراعی، برای عملیات جنبی نیز نیاز به ابزار، ماشین‌آلات و وسایل متعددی وجود دارد و بکارگیری امکانات مورد نیاز، تا حدود زیادی موفقیت در عملیات را تضمین می‌کند. صنایع روستایی می‌تواند در تولید و تأمین وسایل مورد نیاز عملیات زراعی کارکرد و نقش ویژه‌ای داشته باشد. استقرار صنایع روستایی به منظور تکمیل فرآیند تولید محصولات خام کشاورزی مطرح می‌شود که در این بخش به‌عنوان صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی از مهم‌ترین و بارزترین اهداف صنعتی کردن روستاها محسوب می‌شود. شکل ۳ که حاکی از نظرات گروه مدیران، کارشناسان و روستاییان است، میزان تأثیر پیوند دو بخش کشاورزی و صنعت (صنایع تبدیلی و تکمیلی) در استفاده از ابزار و تجهیزات کشاورزی را نشان می‌دهد. بر این اساس از نظر ۶۴/۱۹ درصد روستاییان و ۷۷/۱ درصد کارشناسان و مدیران تأثیر پیوند بخش‌های کشاورزی و صنعت در استفاده از ابزار، تجهیزات و ماشین‌آلات کشاورزی، متوسط به بالا بوده است.



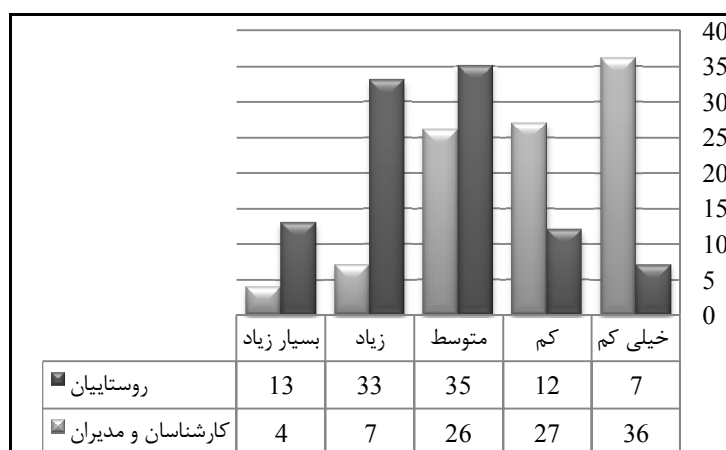
شکل شماره (۳): تأثیر پیوند صنعت و کشاورزی جهت حمایت از تولیدات و استفاده از تجهیزات کشاورزی

از مهم‌ترین اهداف صنعتی کردن روستاها به وسیله صنایع تبدیلی و تکمیلی، فرآوری و بسته‌بندی محصولات خام تولیدی، کاهش میزان ضایعات و جلوگیری از پرتی محصولات از یک طرف و رونق اقتصاد روستاها به وسیله ایجاد اشتغال، درآمد و همچنین صادرات محصولات، کاهش واردات و متکی بودن اقتصاد روستا به خود است. در ناحیه مطالعاتی براساس نظرسنجی از گروه‌های کارشناسان، مدیران و روستاییان درخصوص تأثیر استقرار صنایع در ایجاد اشتغال و درآمد، نظر دو گروه دارای تفاوت‌هایی بوده است؛ به این ترتیب که ۹۵/۸ درصد از کارشناسان و مدیران و ۶۸/۵۵ درصد روستاییان در خصوص تأثیر پیوند بخش‌های کشاورزی و صنعت در ایجاد اشتغال، نظری مثبت و متوسط به بالا داشته‌اند. از دلایل نظر روستاییان در محدوده مطالعاتی، استقرار صنایع مغایر فعالیت‌های موجود در روستاها و بکارگیری نیروهای غیر بومی در آن بوده است (شکل ۴).



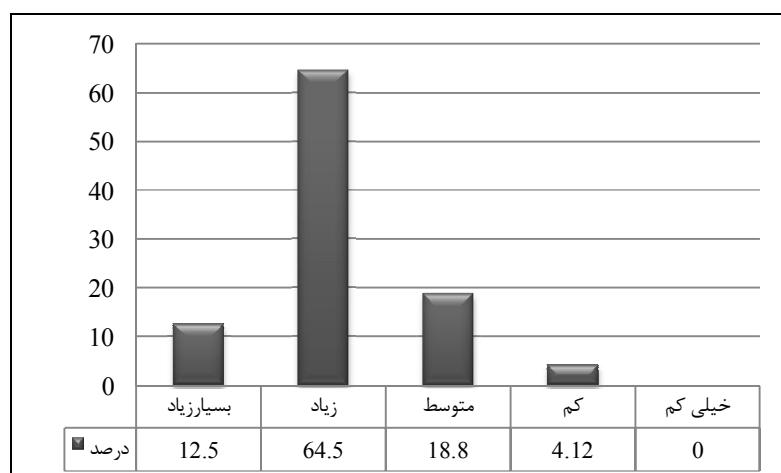
شکل شماره (۴): تأثیر پیوند کشاورزی و صنعت در ایجاد اشتغال

شکل ۵ حاکی از مثبت بودن نظر کارشناسان و مدیران در خصوص تأثیر استقرار صنایع روستایی و پیوند آن با فعالیت‌های کشاورزی و بالعکس منفی بودن نظر روستاییان با ایجاد درآمد ناشی از استقرار صنایع در ناحیه مطالعاتی به دلیل وجود صنایع غیربومی و بکارگیری نیروهای غیر بومی می‌باشد. در مجموع طبق نظر کارشناسان، چنانچه توسعه استقرار صنایع در رابطه با فعالیت‌های موجود در روستاها و در راستای رونق بخشیدن به اوضاع و فعالیت‌های این جوامع باشد، مطلوب و اثرگذار خواهد بود.



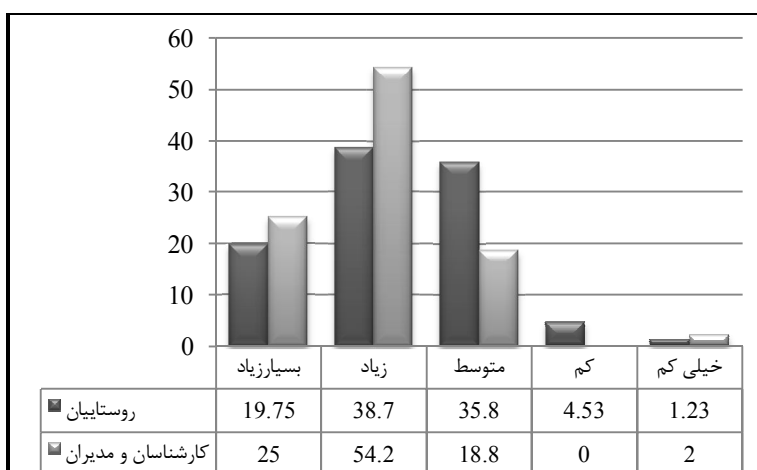
شکل شماره (۵): تأثیر پیوند کشاورزی و صنعت در ایجاد درآمد

صنایع روستایی به دلیل ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و کاهش فقر در جامعه روستایی، به‌ویژه در جوامعی که اقتصاد کشاورزی حکم‌فرماست، از اهمیت بسزایی برخوردار است. اصولاً استقرار صنایع روستایی، به‌خصوص صنایع تبدیلی و تکمیلی در نقاطی امکان‌پذیر می‌شود که دارای ویژگی‌ها و شرایط اولیه بالقوه، از جمله سطح و شرایط تولید متوسط برخوردار باشند تا به مراتب تولید را از سطح اندک یا متوسط به لحاظ کمی و کیفی ارتقاء دهد. به عبارت دیگر، در صورت استقرار صنایع، فرآوری و مرحله بسته‌بندی محصولات روش‌های سنتی با تولید اندک و کیفیت پایین توان پاسخ‌گویی را ندارد. بنابراین می‌بایست در این روند روش‌های تولید سنتی تغییر یابد؛ هرچند که خود استقرار صنایع روستایی زمینه بکارگیری از شیوه‌های نوین کشاورزی را فراهم خواهد کرد. با افزایش سطح تولید، محصولات مازاد بر مصرف به سایر نقاط روستایی و شهری صادر و به مراتب موجبات افزایش سرمایه‌گذاری‌های نقاط روستایی ایجاد خواهد شد. بر این اساس، ۶۴/۵ درصد پاسخ‌گویان (کارشناسان توسعه و مدیران) تأثیر استقرار صنایع و پیوند آن با کشاورزی را در افزایش سطح تولیدات و گسترش صادرات و سرمایه‌گذاری‌های روستایی، زیاد و ۱۲/۵ درصد بسیار زیاد اظهار داشته‌اند. به عبارت دیگر، ۷۷ درصد پاسخ‌گویان تأثیر استقرار صنایع و پیوند آن با کشاورزی را در افزایش سطح تولیدات، گسترش صادرات و سرمایه‌گذاری‌های روستایی، متوسط به بالا دانسته‌اند.



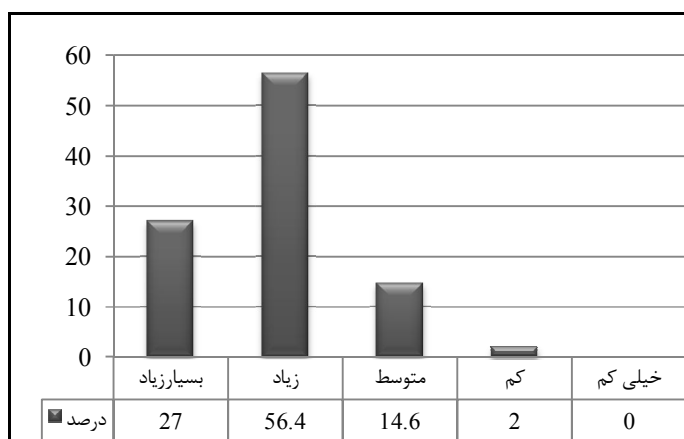
شکل شماره (۶): تأثیر پیوند کشاورزی و صنعت جهت گسترش صادرات و افزایش سرمایه‌گذاری‌ها

از دیگر آثار و نتایج پیوند بخش‌های کشاورزی و صنعت (صنایع روستایی)، اثر مهم و مثبت دیگری است که شامل تداوم فعالیت‌های کشاورزی در سطح روستاها و در نتیجه حفظ اراضی حاصلخیز زراعی و باغی می‌باشد. از آنجا که مزارع کشاورزی جزء لاینفک مناظر روستاها و شهرهای کوچک بشمار می‌رود؛ بنابراین حیات و توسعه چنین جوامعی به آن وابسته است و آن هنگام که این اراضی دچار تغییر کاربری نشود، به مراتب شکل و منظر نقاط روستایی یعنی هویت آن‌ها نیز حفظ خواهد شد. تغییر شکل اراضی کشاورزی دلایل مختلفی دارد از جمله فروش زمین‌های کشاورزی و یا رها ساختن آن از طرف روستاییان در اثر عدم دستیابی به درآمد کافی، عدم توانایی لازم جهت فعالیت کشاورزی و یا کاهش رغبت به انجام این فعالیت‌ها می‌باشد که در این زمینه صنایع روستایی به عنوان یاری کننده و مکمل می‌تواند نقش بسزایی را ایفا نماید. شکل ۷ دیدگاه دو گروه روستاییان، کارشناسان و مدیران در خصوص تأثیر صنایع تبدیلی در ایجاد علاقه‌مندی روستاییان به فعالیت‌های کشاورزی و دامی و حفظ اراضی کشاورزی را نشان می‌دهد. بر این اساس، ۵۸/۵ درصد روستاییان و ۷۹/۲ درصد کارشناسان و مدیران تأثیر صنایع تبدیلی در ایجاد علاقه‌مندی روستاییان به فعالیت‌های کشاورزی و دامی و حفظ اراضی کشاورزی را زیاد تا بسیار زیاد (متوسط به بالا) دانسته‌اند.



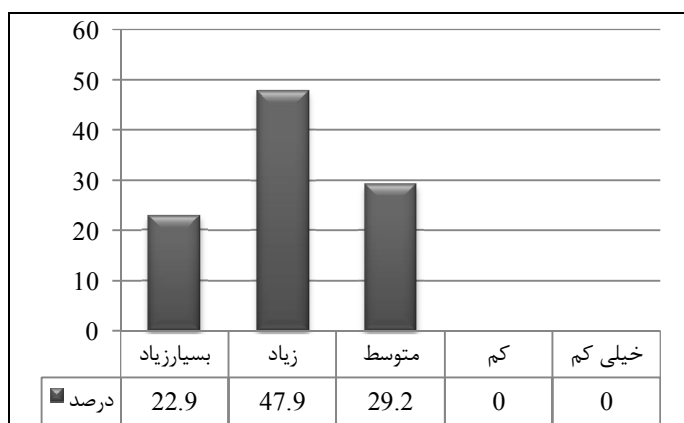
شکل شماره (۷): تأثیر صنایع تبدیلی در ایجاد علاقه‌مندی روستاییان به فعالیت‌های کشاورزی، دامی و حفظ اراضی

از آثار و نتایج مثبت استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی و پیوند آن با بخش کشاورزی، آموختن شیوه‌های نوین در مراحل مختلف تولید، فرآوری و بسته‌بندی محصولات و سنجش آن براساس نیاز بازار می‌باشد. محصولاتی که در محیط این روستاها باید تولید شود و با قیمت مناسب مورد مصرف ساکنین روستا و مردم شهرهای اطراف قرار گیرد، از نقاط دورتر با قیمت بیشتر وارد می‌شود که بایستی توجه بیشتری به مسائلی از این دست شود. طبق نظر کارشناسان توسعه و از تعداد کل پاسخ‌گویان ۲۷ درصد گزینه بسیار زیاد، ۵۶/۴ درصد گزینه زیاد، ۱۴/۶ درصد گزینه متوسط و ۲ درصد گزینه کم را انتخاب نموده‌اند. به عبارت دیگر، پیوند کشاورزی و صنعت و تأثیر آن در توسعه مهارت‌های جدید تولیدی از دیدگاه ۸۳/۴ درصد پاسخ‌گویان مورد تأیید بوده است.



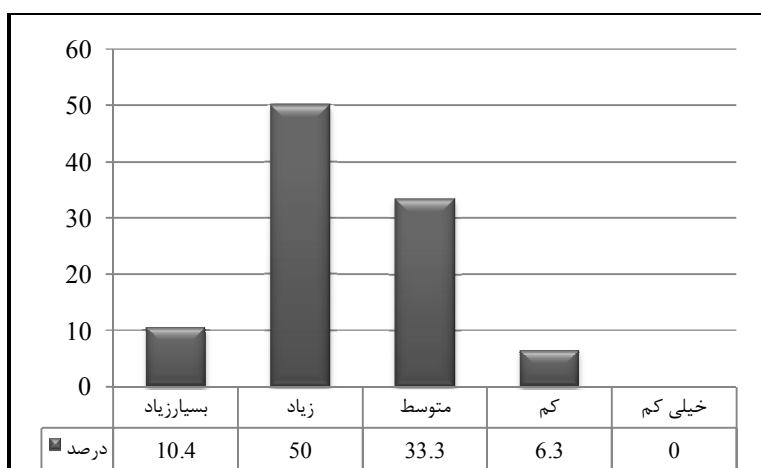
شکل شماره (۸): تأثیر استقرار صنایع به عنوان فرصتی جهت توسعه مهارت‌های جدید تولیدی

یکی از مهم‌ترین اثرات ایجاد صنایع در نواحی روستایی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی است. توجه به جوامع روستایی در غالب تدوین طرح‌های توسعه‌ای (صنعتی کردن و توسعه گردشگری) در دراز مدت موجب کاهش تفاوت‌های جوامع شهری و روستایی خواهد شد؛ همان‌طور که از اهداف توسعه پایدار روستایی نیز رسیدن به چنین شرایطی است. دیدگاه کارشناسان توسعه و مدیران اهمیت این موضوع را تأیید می‌کند به طوری که ۲۲/۹ درصد از این گروه پاسخ‌دهندگان تأثیر استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی به‌عنوان فرصتی جهت کاهش نابرابری‌های اجتماعی را بسیار زیاد، ۴۷/۹ درصد زیاد و ۲۹/۲ درصد متوسط اظهار داشته‌اند. به عبارت دیگر، استقرار صنایع در نواحی روستایی محدوده مورد مطالعه و نقش آن در کاهش نابرابری‌های اجتماعی، از دیدگاه ۷۷/۱ درصد پاسخ‌گویان تأیید شده است.



شکل شماره (۹): تأثیر استقرار صنایع تبدیلی در کاهش نابرابری‌های اجتماعی

بررسی‌ها نشان می‌دهد که به‌منظور جلوگیری از پیامدهای سوء زیست محیطی و نیز برای حفظ تعادل-های محیطی، مسئولان و دست‌اندرکاران راه‌اندازی نواحی و شهرک‌های صنعتی نه تنها در مکان‌یابی‌ها، بلکه در استقرار واحدهای صنعتی در درون نواحی روستایی نیز ملاحظات زیست محیطی را در راستای رعایت بهینه بهداشت، مد نظر قرار داده‌اند. زمانی که روستایی مورد هدف برنامه‌های توسعه‌ای نظیر صنعتی شدن و گردشگری قرار می‌گیرد، دارای آثار مثبت در زمینه‌های مختلف از جمله تدوین برنامه‌هایی جهت رعایت بهداشت در سطح روستاها است. این مورد در استقرار صنایع نیز به‌عنوان فرصتی در روستاها محسوب خواهد شد. نظر کارشناسان و مدیران نیز در این خصوص حائز اهمیت است. از تعداد کل پاسخ‌گویان ۱۰/۴ درصد این اثر را بسیار زیاد، ۵۰ درصد زیاد، ۳۳/۳ درصد متوسط و ۶/۳ درصد کم دانسته‌اند.



شکل شماره (۱۰): اثر استقرار صنایع بعنوان فرصتی جهت رعایت بهینه بهداشت در روستاها

۵) نتیجه‌گیری

بیکاری، درآمد بسیار پایین، مهاجرت از روستا و محدودیت منابع آب از جمله مسائل و مشکلاتی است که بسیار از روستاهای گیلان با آن مواجه‌اند. بر این اساس گسترش و توسعه صنایع روستایی (تبدیلی و تکمیلی) می‌تواند زمینه‌های توسعه بسیاری از آن‌ها را فراهم آورد. صنایع روستایی با تغییر و تحول در ساختار سنتی نواحی روستایی و ایجاد ساختار و کارکردی جدید، موجب خروج آن‌ها از انزوای جغرافیایی می‌شود و نقش بسیار مؤثری در توسعه پایدار روستاها خواهد داشت. در محدوده مورد مطالعه، بکارگیری زمین‌های کشاورزی در جهت خودکفایی روستاها، به دلیل دارا بودن پتانسیل‌ها و استعدادهای مختلف طبیعی و انسانی امری الزام‌آور است. در این میان هدف‌دار کردن تولیدات کشاورزی، ایجاد تنوع در آن و همچنین ادامه روند تولید تا مرحله فرآوری، بسته‌بندی و بازاریابی محصولات مد نظر است. صنعتی کردن روستاها از طریق استقرار صنایع وابسته به کشاورزی یعنی صنایع تبدیلی و تکمیلی، به‌عنوان یک تسهیل‌کننده، این بخش از اقتصاد را متنوع و مولد خواهد کرد. پژوهش حاضر به بررسی و شناخت صنایع روستایی، انواع، اهداف و رسالت‌های آن و همچنین تبیین ضرورت‌های پیوند این بخش با بخش کشاورزی پرداخته شده است. در منطقه مورد مطالعه، گسترش صنایع تبدیلی که از حلقه‌های مفقوده در زنجیره تولید و مصرف محصولات کشاورزی است، با توجه به تکنولوژی بومی، تکیه بر سرمایه‌گذاری داخلی و ارزبری بسیار محدود می‌تواند نقش اساسی در جلوگیری از ضایعات و ضررهای وارده به قشر تولیدکننده و درنهایت رشد اقتصاد ملی داشته باشد. به همین منظور، نظرسنجی از اثرات و فواید پیوند بخش‌های کشاورزی و صنعت در بخش مرکزی شهرستان رشت از دیدگاه کارشناسان علمی، سازمانی و افراد بومی صورت گرفت.

نتایج بررسی‌ها و نظرسنجی دیدگاه‌های پاسخ‌گویان حاکی از آن است که فواید و اثرات این پیوند در حمایت از محصولات در مراحل مختلف تولید و استفاده از شیوه‌های نوین کشاورزی، در تقویت پایه‌های اقتصادی روستاها، در ایجاد اشتغال و درآمد و همچنین گسترش صادرات و افزایش سرمایه‌گذاری‌های روستایی اثرات قابل توجهی خواهد داشت. در این راستا با توجه به فواید مثبت پیوند دو بخش و ویژگی‌های طبیعی، اجتماعی و اقتصادی منطقه، انجام این امر جهت تقویت پایه‌های اقتصادی روستاها و گام نهادن به سوی توسعه پایدار روستایی امری ضروری می‌باشد. در نهایت این که در بخش کشاورزی، تنها وسیله‌ای که سبب افزایش تولیدات و نیل به خودکفایی و همچنین ورود به بازارهای جهانی و رقابت شد، صنایع تبدیلی و تکمیلی است. در عصر حاضر جهت دستیابی به رسالت‌های کشاورزی پایدار که در عین حال حافظ محیط روستایی نیز باشد، اتخاذ سیاست‌های مدون و پایدار لازم است که در غالب موارد ذیل آمده است:

- انجام اقدامات لازم در زمینه افزایش سطح سواد و آگاهی روستاییان نسبت به صنایع روستایی؛
- انجام برنامه‌ریزی کاربری اراضی در روستاها در جهت خودکفایی نقاط روستایی؛
- هدف‌دار کردن تولید، ایجاد تنوع در تولید محصولات و گسترش کشت‌های دوم و گلخانه‌ای؛
- کیفیت بخشیدن به تولید، توزیع و مبادله محصولات به روستاهای مجاور و شهرها؛
- شناسایی و اهمیت بخشیدن به آثار و فواید پیوند بخش‌های کشاورزی و صنعت؛
- اتخاذ سیاست‌های پایدار در کشاورزی و صنعت و رفع ابهامات این سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها؛
- بازاریابی مطلوب جهت محصولات ترکیبی بخش کشاورزی و صنعت و ایجاد بازارچه‌های مناسب و پویا؛
- امکان ایجاد ارتباط مطلوب و منطقی بین بخش‌های کشاورزی و سایر بخش‌های مرتبط و مکمل آن؛
- ایجاد انگیزه در قشر سرمایه‌گذار بخش خصوصی و فراهم کردن بسترهای مناسب جهت سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک و تبدیلی در روستاهای محدوده مورد مطالعه.

۶ منابع

- Agriculture Organization, 2010, **Rural Industries**, the list of licenses issued Guilan industries. (In Persian)
- Akbari, Z. 2011, **The feasibility of small Industries in Rural of the central Part of Rasht Township**, MS Thesis Geography and Rural Planning, Islamic Azad University, Rasht, Supervisor: Dr. Eisa Pourramzan. (In Persian)
- Amar, T. 2010, **Industrial performance Rural Areas and the need to Develop it (Case Study: Khorgam District Roudbar Township)**, Journal of Human Geography, Vol. 2, No. 4, Islamic Azad University of Garmsar, pp. 91-104. (In Persian)

- Amin Aghaee, M. 2008, **Study factors on the Small Industries of Experts point of view of Rural Development**, The Journal of village and Development, Vol. 11, No. 4, Center for Research and Rural issues, Ministry of Agriculture, pp. 125-146. (In Persian)
- Asayesh, H., & Ghanbari, N. 2006, the introduction of village Economy, publication Islamic Azad University of Kermanshah. (In Persian)
- Azkia, M., & Imani, A. 2008, **Sustainable rural development**, First Printing, publication information, Tehran. (In Persian)
- Deputy of planning of Guilan Governor, 2008, **the last Political Administrative Divisions of Rasht**. (In Persian)
- Deputy of planning of Guilan Governor, 2009, **Statistical Yearbook of Guilan**. (In Persian)
- Europa.eu.int/Comm/agriculture/rur/index-en.htm, European. Communities, (2006), pp1-15.
- Francks, P., 2002, **Rural Industry, Growth Linkages, and Economic Development in Nineteenth century Japan**, pp33-55.
- Ghadiri Masoum, M., & Qharagozlo, H., 2012, **The Role of Industrial Areas in Social and Economic Development of Rural Settlements**, Journal of space Economics and Rural Development, Year One, No. 2, pp. 1-15. (In Persian)
- Hoseini Abri, S. H. 2001, **Introduction to Rural Geography Iran**, the second edition, publication Isfahan University. (In Persian)
- khzay Ghogdi, A. 1997, **Rural Industries, Changes and Development**, The Journal of village and Development of 1, 2 and 3, Tehran. (In Persian)
- Misra, R. P. 1987, **Rural Industrialization in Third World Countries**, Rural Development monthly, Selection of Articles No. 1. (In Persian)
- Motiee Langeroudi, SH. 2003, **Rural Planning with an Emphasis on Iran**, publication Mashhad University Jihad. (In Persian)
- Motiee Langeroudi, SH., & Najafi Canie, A.A. 2011, **Rural Development and Industrialization (Theories, Methods and Strategies for Industrial Development)**, Publishing Tehran University. (In Persian)
- Nasiri, E. 2007, **Rural Industry Influence on the process of Economic and Social Development (Experimental Sample: Boomehen Villages)**, Journal of Geographical landscape, Second Year, No. fifth, pp 138-160. (In Persian)
- Nouri, SH., et al., 2010, **Priority at small industries and the workshop Rural City of Ardestan with Delphi method**, Journal of village and the development, Vol. 13, No. 2, pp. 61-79. (In Persian)
- Pinzon, D., 2012, **Land & Food security**, pp1-2.
- Pourahmad, A., Taher Khani, M., & Babakhani, R. 2002, **The Role of Industrial Areas in Employment And reduce Rural Migration, The Journal of Geographical Research**, the thirty-fourth year, No. 43, Institute of Geography, Tehran University, pp. 56-43. (In Persian)

- Pourramazan, E., Amar, T., & Akbari, Z. 2012, **The feasibility of small industry using the Analytical Model SWOT**, The Journal of new approaches in human geography, Issue IV, Islamic Azad university of Garmsar, pp. 102-130. (In Persian)
- Proceedings of the Conference on the role of Industry In Agricultural Development, 1997, **In Collaboration with the Ministry of Agriculture Construction Jihad and the Ministry of Industry**, Publishing Isfahan Science and Technology Town in partnership with Mani Publication, Esfahan. (In Persian)
- Rau, S.K. 1985, **rural industrialization: Policy ND Programme in four Asian countries**, Asian Productivity, Tokyo.
- Rezvani. M. R., Nazari, V., & Khorasani, M. A. 2010, **Lexcion of Concepts and Phrases in Rural Planning and Development**, Jahad-e- Daneshgahi publication, Tehran. (In Persian)
- Rizwanul, I. 1994, **rural industrialization: An engine of Prosperity rural china**, World development, Vol. 22, No. 11, pp.1643-1662.
- Sahraian, SM. 2001, **organizing small Industries in Iran**, Publishing Hadafe, Tehran. (In Persian)
- Sojasi Ghidari, H., Rumiani, A., & Sanei, S. 2014, Assess and Explain the function of Rural Industries in Development (**Case: Saeen Ghale District in Behshahr Township**), The Journal of economy of space and Rural Development, Vol. 3, No. 2, pp. 87-105. (In Persian)
- Statistical Center of Iran 2006, the village of Gilan province, General Population and Housing Census. (In Persian)
- Taherkhani, M. 2000, **The Role of Industrial Areas in Development of Rural Areas**, Journal of Geographical Research, the thirty-third year, the Institute of Geography, Tehran University, pp. 33-46. (In Persian)
- www.nria.org.au., 2010, **New Rural Industries Astralia**,p1.